

حقوق شهروندی با تاکید بر نقد و بررسی قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵

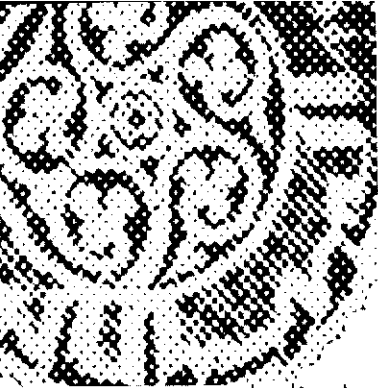
دکتر رزا قراچورلو

وکیل پایه یک دادگستری (عضو کمیسیون حقوق بشر قانون وکلا) و استادیار دانشکده حقوق دانشکده آزاد اسلامی واحد مرکز

مقدمه

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳/۲/۱۶، یعنی فقط یک روز پس از تصویب آن در مجلس، با همان فوریت و تعجیل در شورای محترم نگهبان به تائید رسید. این قانون مشتمل بر یک ماده واحده و ۱۵ بند و نیز یک دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ می باشد. طبق این ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش، موارد مندرج در این قانون را به دقت رعایت و اجرا کنند و متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد.

لازم به ذکر است که این قانون در ابتدا بخشنامه ریاست محترم قوه قضائیه بوده است و در تاریخ یاد شده در مجلس شورای اسلامی توسط نمایندگان مجلس، عیناً و بدون هیچگونه تغییری به صورت قانون به تصویب می رسد، بنابراین در واقع حاصل اندیشه و ابتکار نمایندگان مجلس ششم نبوده است. این نکته بخوبی این پرسش را به ذهن متبادر می سازد که حقیقتاً گزارش چه وقایع و اخباری به ریاست محترم قوه قضائیه رسیده بوده که ایشان چنین بخشنامه ای را با این شتاب و به سرعت صادر نموده و سپس برای تبدیل آن



به هر قانون، آن را به مجلس ارائه می نمایند؟

در این مقاله مختصر ابتدا بطور اجمال به تاریخچه حقوق شهروندی، حق آزادی و امنیت شخصی، تضمینات حقوقی عام و خاص امنیت و اصل منع شکنجه و رفتارها و مجازاتهای غیر انسانی پرداخته می شود، سپس مبحث اصلی مربوط به نقد و بررسی قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و مهمترین انتقادات وارده به آن تصریح و اشاره می گردد و در خاتمه آخرین قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد علیه ایران و موارد نقض حقوق بشر مصرح در آن قطعنامه، مورد شرح و تفصیل قرار خواهد گرفت.

بند الف - تاریخچه حقوق شهروندی

حقوق بشر مبتنی حق طبیعی است و بر طبق دکترین حقوقی طبیعی، انسان بطور طبیعی آزاد است. روسو در کتاب قرارداد اجتماعی خود بیان می کند که «انسان آزاد زاده شده لیکن همه جا در اسارت است». ماده اول - اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه (۲۶ اوت سال ۱۷۸۹) نیز با الهام گرفتن از اندیشه روسو بیان می دارد که «انسان های آزاد زاده می شوند و آزاد زندگی می کنند و در حق برابرند». بهرحال اصطلاح حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه و بر پایه دکترین فیزیوکراتها و طرفداران اندیشه حکومت عوامل طبیعی مطرح شد.

طبق ماده ۴ اعلامیه فوق، فقط قانون می تواند حد و حدود آزادی ها را تثبیت و مشخص کند و این مرزها در اجرای حقوق طبیعی هر انسان فقط توسط قانون می توانند تعریف شوند. از نظر این اعلامیه، آزادی اصل و قاعده است و محدودیت بر آن استثناء می باشد. طبق ماده ۵ این اعلامیه. «هر امری که توسط قانون منع نشده است، نمی توان از انجام آن جلوگیری نمود و نمی توان کسی را به انجام آنچه که حکم نشده، مجبور ساخت.»

طبق مواد ۱۲ و ۱۶ اعلامیه یاد شده نیز، ضمانت اجرای رعایت و احترام به حقوق شهروندی توسط قدرت عمومی مطرح و تأکید شده است که اگر ضمانت اجرای حقوق تأمین نشده باشد، هیچ اثری از قانون اساسی نخواهد بود.

طبق مواد ۷، ۸، و ۹ اعلامیه مذکور، آزادی های فردی از جمله ممنوعیت بازداشت های غیر قانونی یا خودسرانه، مورد تصریح واقع شده است. بموجب قانون اساسی سال ۱۷۹۱ فرانسه با ارائه تعریف موسعی از مفهوم شهروند و حقوق شهروندی، حتی حق ارسال شکوائیه علیه مقامات و حق شکایت فردی را نیز در صورت نقض حقوق حمایت شده آنها به افراد اعطاء نموده است.

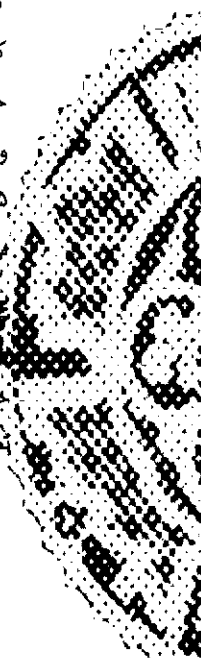
بند ب - حق آزادی و امنیت شخصی (۲)

این حق بطور کلی شامل عدم بازداشت خودسرانه (۳) و سلب آزادی صرفاً بموجب حکم قانون، حق مطلع شدن از علل بازداشت، حق کنترل قضایی بازداشت، حق بررسی مشروعیت بازداشت (۴)، حق جبران خسارت ناشی از توقیف غیر قانونی، حق عدم بازداشت در اموری که صرفاً جنبه مدنی دارد (مثل دیون)، حق برخورداری از رسیدگی بموقع و در مدت زمان معقول توسط دستگاه قضایی، می گردد. حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای حقوق بشر به انحاء مختلف مورد حمایت واقع شده است: مواد ۳ و ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱ و ۱۵ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، مواد ۹ و ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوقی بشر، ماده یک پروتکل چهارم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مواد ۵ و ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، مواد ۶ و ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، از جمله مهمترین اسناد قابل ذکر می باشند.

بند ج - تضمینات امنیت

بطور کلی امنیت نتیجه تضمینات حقوقی است که هیأت حاکمه از طریق وضع قانون و سازماندهی سیاسی، اداری و قضایی نسبت به حقوق شهروندان بعمل می آورد.

تضمینات امنیت به دو دسته کلی تقسیم می شوند: ۱- تضمینات عام حقوقی که عبارتند از اول، اصل حاکمیت قانون (۵) متضمن



حقانیت و مشروعیت قانون^(۲)، کلیت و غیر شخصی بودن قانون^(۳) و عطف بماسبق نشدن^(۴) قانون و دوم اصل وجود يك دادگاه صالح^(۵) شایسته^(۶) و استقلال قضایی^(۱۰) و بیطرفی قضات^(۱۱) و ۲- تضمینات خاص حقوقی (تضمینات قضایی امنیت) عبارتند از: اصل برانست^(۱۲) و دوم: اصل تعقیب قانونی متضمن دستگیری قانونی^(۱۳) و تسریع در تفهیم اتهام^(۱۴) و تشکیل پرونده و فراهم کردن مقدمات رسیدگی در اسرع وقت، سوم: محاکمه منصفانه^(۱۵) مشتمل بر حق دفاع و حق انتخاب وکیل^(۱۶) و علنی بودن دادگاه^(۱۷) و چهارم: اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها^(۱۸)، پنجم: امنیت متهمان و محکومان در مقابل فشار تعرض غیر قانونی و آزار یا شکنجه در کسب اقرار و شهادت وضع هتک حرمت به آنها.

بند ۵ - اصل منع شکنجه و رفتارهای غیر انسانی^(۱۹)

این اصل که یکی از مهمترین قواعد بنیادین و امره حقوق بشری است، در اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای متعدد حقوق بشری از جمله در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۵ و ۱۶ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، مواد ۷ و ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مورد تأکید قرار گرفته است، تمام اسناد یاد شده با بکاربردن عبارات مختلف، شکنجه، سوء رفتار، مجازاتهای ظالمانه، رفتارهای غیر انسانی، مجازاتهای غیر انسانی، رفتارهای تحقیر آمیز و مجازاتهای تحقیر آمیز، این هفت مورد را ممنوع کرده اند. برای تعریف شکنجه تاکنون تلاشهای بین المللی زیادی انجام شده است. بموجب اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۵ دسامبر ۱۹۷۵ که به اتفاق آراء و طی قطعنامه شماره ۳۴۵۲ به تصویب رسید، شکنجه بدین صورت تعریف شده است: «شکنجه یعنی هر عمل که به جهت آن درد یا رنج شدید، خواه جسمی یا روحی، بطور عمدی توسط یا به اشاره مقام رسمی بر فردی اعمال شود، برای مقاصد از قبیل کسب اطلاعات از وی یا از شخص ثالث یا اعتراف یا تنبیه به خاطر عمل ارتكابی یا تهدید و ارباب وی یا دیگر افراد. این امر شامل درد و رنج ناشی از مجازاتهای قانونی به میزانی که مطابق با قواعد حداقل استانداردهای رفتار یا زندانیان است، نمی باشد.»

علاوه بر آن طبق ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می گردد که عمداً درد یا رنج های جانکاه جسمی یا روحی به شخص وارد آورد، خصوصاً به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب است تنبیه گردد، ... منوط بر اینکه چنین دردها و رنج هایی به دست مأموران دولت یا هر شخص دیگری که در سمت رسمی مأمور بوده است یا به ترغیب یا رضایت صریح یا ضمنی وی، تحمیل شده باشد،» متأسفانه به خاطر وجود برخی اختلاف نظرها در مورد مفهوم و دامنه قلمرو شکنجه و بعضی از انواع مجازاتها، تاکنون دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون فوق ملحق نشده است. لیکن اصل منع شکنجه برای اخذ اقرار دراصل سی و هشتم (۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عبارت مطلق هر گونه شکنجه جسمی و روحی مورد تأکید قرار گرفته است و متخلف از این اصل، مشمول مجازات دانسته شده است.

از لحاظ معیارهای حقوق بشری و سازمان ملل متحد، وجود زندانیهای انفرادی^(۲۰) غیر قانونی بوده و مصداق بارز شکنجه محسوب می گردند و مشکلات جسمی و روانی بسیاری را برای زندانی مورد نظر ایجاد می نمایند.

بند ۶ - نقد و بررسی قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

۱- این قانون در ابتدا بصورت بخشنامه بوده و بعداً بصورت قانون تدوین شده و در فرصتی بسیار کوتاه و بطور عجولانه و سریع در مجلس شورای اسلامی تصویب و سپس با همان تعجیل یعنی فقط دو روز پس از تصویب در مجلس، توسط شورای نگهبان مورد تأیید قرار

گرفته است. تصویب سریع این قانون در مجلس و تأیید فوری آن توسط شورای نگهبان، فی نفسه حاکی از آن است که در این زمینه ها مشکل اساسی ای وجود داشته است که اقتضاء تنظیم و تصویب چنین قانونی را می نموده است.

برای نظارت بر حسن اجرای این قانون و قانونهای مشابه، کانونهای وکلای دادگستری می توانند به عنوان یکی از بهترین ابزارهای نظارتی مطرح شوند و عمل نمایند، لیکن در دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ این قانون (ماده ۱ آن) ذکری از آنها به عمل نیامده است و برای نظارت بر حسن اجرای این قانون تنها از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه به عنوان هیأت نظارت مرکزی نام برده شده است. در واقع برای نظارت بر حسن اجرای این قانون، به ضابطین قوه قضائیه اشاره شده است در حالیکه این ضابطین خود نقطه مقابل متهم هستند، بنظر می رسد باید تا آنجا که امکان پذیر است از دیگر ارگانهای مرتبط از جمله کانونهای وکلای دادگستری استفاده نمود تا حقوق شهروندان بیشتر مورد حفظ و رعایت قرار گیرد.

۳- تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی، ترکیب و شرح وظایف آن در واقع با آنچه در این قانون و دستورالعمل اجرایی آن برای حفظ حقوق شهروندی قید شده است، بعضاً مغایرت و تعارض دارد.

۴- عنوان این قانون، احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی است. در واقع این عنوان کلی بر تمام حقوق شهروندی اطلاق دارد و حقوق شهروندی بهیچوجه در این حد که یک متهم در برابر ضابطین دادگستری یا در محاکم قرار گیرد، خلاصه نخواهد شد. اگر چه حفظ حقوق متهم در تمام مراحل دادرسی امری بسیار مهم و مورد تأکید تمام اسناد بین المللی حقوق بشر نیز می باشد، لیکن آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تنها به این امر محدود نخواهد شد.

۵- حقوق و مواردی که در این قانون ذکر شده است، قبلاً در اصول ۱۹ تا ۴۴ قانون اساسی نیز مورد تأکید واقع شده اند یا در قوانین کیفری احصاء شده اند و در واقع این قانون تأکیدی بر آنهاست و مطلب تازه ای را عنوان نمی کند. اگر چه آگاه کردن شهروندان از حقوق اساسی و قانونی آنها بسیار مطلوب است، لیکن بنظر می رسد چنانچه ضمانت اجرایی بر اعمال و رعایت دقیق و مستحکم این قوانین در نظر گرفته می شد، دیگر نیازی هم به تدوین قوانین جدید نبود، ولی متأسفانه ضمانت اجرایی برای اجرای این اصول و قوانین وجود ندارد و بطور کلی این امر نادرستی است که ما اصول و محتوای یک قانون اساسی را در چهارچوب و قالب یک بخشنامه در آوریم و سپس آن بخشنامه را به قانون تبدیل کنیم.

۶- عر با توجه به میزان جمعیت و تعداد و روند طولانی رسیدگی به پرونده ها، آیا اساساً این هیأتها نظارتی که در دستورالعمل اجرایی پیش بینی شده اند، به تعداد و بگونه ای هستند که بتوانند به دادخواهی مردم سریعاً رسیدگی کنند و یا باز هم باید ماهها یا سالها به طول انجامد و مردم همچنان منتظر رسیدگی به امور خود باشند؟!

۷- نکته دیگر آن است که برخی عبارات و اصطلاحاتی که در این قانون آمده است، اساساً در شأن قوه قضائیه نبوده است، برای مثال اصطلاح «بازجویان» (در بند ۷ این قانون)، اصولاً در نظام قضایی یک کشور جایگاهی ندارد. در نظام قضایی کشور ما نیز از شصت سال پیش واژه مستنطق بکار می رفت که بعداً به بازپرس تغییر یافت. بازپرس یک مقام قضایی است در حالیکه بازجو فرد زیر دیلمی است که در وزارت اطلاعات و در دادگاههای انقلاب، انجام وظیفه می کند و کسی هم دقیقاً نمی داند که این فرد چه می کند؟! چگونه در چنین قانونی به بازجو فرصت ابراز وجود می دهیم.

۸- عبارت «اسمال» هر گونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت» (در بند ۱ این قانون)، در شأن و حد این قانون نیست، واقعیت آن است که هیچکس نمی تواند کنترل نمود که یک قاضی و یا بازپرس، سلیقه شخصی بکار برده است؟!

۹- عبارت «رعایت اخلاق و موازین اسلامی» (در بند ۴ این قانون)، یک عبارت غیر حقوقی است و اگر چه امری انسانی است لیکن نمی توانیم بگوییم که این قانون کلی بکار رود.



۸- متأسفانه هنوز شعب مختلف دادگاهها در جاهائیکه دادرسی و تشکیل نشده است بطور سلیقه ای عمل می کنند یعنی در برخی شعب، وکیل در اختیار متهم قرار داده می شود ولی بعضی شعب دیگر اعلام می دارند که داشتن وکیل برای متهم ممنوع است. مجریان قانون باید برای رعایت و اجرای دقیق و صحیح این قوانین و دیگر قوانین مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندان، آموزش ببینند، زیرا این حقوق فقط الفاظی بر روی کاغذ نیستند بلکه به آن اندازه دارای اهمیت هستند که عدم اجرای آنها، تخلف محسوب می شود مستوجب مجازات مرتکبان و مجریان خواهد بود.

۹- طبق بند ۳ این قانون، «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل را متناسب با بیوای آنان فراهم آورند.» تأکید بر حق دفاع متهمان چه در محاکم و چه در دادرها اگر چه از نکات مثبت این قانون است. در متأسفانه همین حق نیز با تصویب بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، عملاً منسوخ گردید. طبق بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون یاد شده (تحت عنوان توسعه امور قضایی) مقرر شده است: «مطابق اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش عدالت قضایی، هر یک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی، به استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود، در تمام مراحل دادرسی، قسمت اخیر ماده فوق، در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد می شود، ضمانت نشود. در این مورد هم طبق اصل ۳۵ قانون اساسی و هم طبق بند ۳ قانون آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در صورت حضور و داشتن وکیل برای متهم تا آنجا مهم و از حقوق بنیادین متهم بشمار می رود که حتی در صورتی که طرفین دعوی توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل و کارشناس فراهم گردد.

۱۰- یکی از بزرگترین کمزوری که در این قانون مبهم باقی مانده است، مربوط به مرحله تحقیق در دادرسی می باشد که در آن مرحله وکیل از اطلاع و اطلاع دهی محروم است و در بیشتر موارد این امر، منجر به محرومیت متهم از دفاع مناسب در مواقعی می شود که نیاز به دفاع وکیل دارد. بر این اساس روشن نیست که این مرحله تحقیق تا کجا ادامه می یابد؟ بعضی دادگاهها به خصوص در قسمتهایی که دادرسی تشکیل نشده است تا روز دادرسی این مرحله تحقیق ادامه دارد و وکیل محروم از مطالعه پرونده خواهد بود.

۱۱- در صورتی که مرحله تحقیق تا یک مرحله مشخصی از دادرسی تعیین گردد در کشور ما سیستم آتھامی بر دادرسی حاکم است یعنی پیش از رسیدگی در پرونده بطور غیر علنی و غیر تدافعی است و متهم حق دفاع ندارد و تحقیقات هم علی الاصول تا زمانیکه به کیفیت مواسبت منتهی می شود، ادامه می یابد.

۱۲- در بند ۲ این قانون، از منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) برای اثبات و احراز جرم متهم، نام برده شده است. لازم به ذکر است که استفاده از منابع فقهی معتبر هم در اصل ۱۶۷ قانون اساسی و هم در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب قید شده است. لیکن این امر مغایر با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست و ممکن است منجر به صدور احکام جزایی نامشابه یا نابرابر توسط قضات شود.

در تفسیر اصل ۱۶۷ قانون اساسی گفته شده است که استفاده از منابع فقهی معتبر در صورت نبودن قانون تنها برای دادرسی های حقوقی است و در امور کیفری باید تنها به قانون اکتفا نمود و بسط کاربرد منابع فقهی معتبر به امور کیفری با اصل برائت و اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها مغایرت خواهد داشت. طبق اصل ۳۶ قانون اساسی، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»



بند و - نتیجه گیری نهایی از قانون مذکور

در خاتمه این نقد مجدداً تأکید می‌گردد که این قانون تنها تکرار اصول و حقوق مندرج در قانون اساسی و برخی از مواد قوانین کیفری و همان آئین دادرسی منصفانه است و متأسفانه موارد چندان جدیدی را مطرح نمی‌کند. برای مثال اصل برائت، حق داشتن وکیل در همه دادگاهها، اصل منع دستگیری و بازداشت افراد تنها بموجب حکم قانون و از طریق دادگاه صالح، اصل منع شکنجه بمنظور اخذ اقرار یا کسب اطلاع، قبلاً و به ترتیب ذکر آنها در اصول ۲۷، ۳۲، ۳۶ و ۲۸ قانون اساسی ذکر شده و مورد تأکید قرار گرفته‌اند. همچنین طبق مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ قانون تعزیرات مصوب تیر ماه ۱۳۷۵ تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» به تخلفات مأموران قضایی و غیر قضایی دولتی در ارتباط با متهمان و آزار و اذیت و شکنجه آنها اشاره شده است و مجازاتی را برای مأموران مختلف پیش بینی نموده است و بنظر می‌رسد تکرار مجدد این امر در بندهای ۱۰ و ۱۳ قانون آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بی‌فایده و ضرورتی نداشته و فقط از جهت تأکید بیشتر بر رعایت این امر باشد.

بند ز - آخرین قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد علیه ایران صادر شده در شصت و یکمین اجلاس عمومی

جولای ۲۰۰۵.

در شصت و یکمین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیسیون مذکور با اشاره به برخی موارد نقض حقوق بشر در ایران از جمله آزادی بیان و عقیده، شکنجه و بدرفتاری در زمان بازداشت و در زندان، حبسهای انفرادی در مدت‌های نامعین، طولانی و بدون روند مناسب و قانونی رسیدگی، توقیف روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان و وکلا و فعالان حقوق بشر، تبعیض علیه اقلیتها، به ویژه اقلیت های مذهبی، تأکید می‌نماید که کمیسیون باید برای بررسی مجدد وضعیت حقوق بشر در ایران، یک گزارشگر ویژه تعیین نماید. ایران و تهیه گزارش به ایران اعزام نماید.

همچنین کمیسیون از مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا نسبت به درخواست بازدید و نظارت گزارشگر ویژه موضوعی ویژه سازمان ملل متحد راجع به شکنجه و بدرفتاری و همچنین گزارشگر ویژه آزادی مذهب و بردباری مذهبی، اعلام موافقت و همکاری نمایند.

علاوه بر آن، کمیسیون مذکور از دولت ایران درخواست می‌کند تا کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را تصویب نماید و نسبت به سرنگونی که بر آنها گذارده است، یک تجدید نظر رسمی انجام دهد.

آزادی تمام زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام برای کودکان زیر هجده سال، اصلاح قانون مطبوعات بطوریکه گامهایی را برای تضمین آزادی مطلوب مطبوعات بردارد، اجازه دستیابی زندانیان و افراد بازداشت شده به حقوقدانان و وکلا و ملاقات با اعضای خانواده و آزاد کردن آنها، انجام یک تحقیق و بررسی مستقل و بیطرفانه نسبت به عملکرد قوه قضائیه از دیگر مواردی است که کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه یاد شده از مسئولان دولتی ذیربط ایران درخواست می‌نماید.*

*** قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی**

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.



۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یامناهی فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءة متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سرمتهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و اشیای مضمون‌نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹- هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجت شرعی قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و کلیه اقدامات که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده اند، بر اساس قانون برخورد جنسی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی اجتناب گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهار کننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند، نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و یا متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم، قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی

از تمام با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه برخوردایش خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

این قانون فوق‌العاده مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تهران و در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

۲- The Right of Personal Security

۳- Arbitration

۴- habeas corpus

حق بررسی مشروعیت و قانونی بودن دستگیری یا بازداشت در اکثر اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است و منظور از این حق آن است که شخص بازداشت شده باید فرصت به زیر سؤال بردن مسئله قانونی بودن سلب آزادی خود را از طریق قضایی و با استفاده از مفهوم حقوقی *recurso de amparo*, *habeas corpus* (حق سلب آزادی) داشته باشد و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت، بلافاصله آزاد شود.

۵- The Rule of Law

منظور از مشروعیت قانون آن است که قوانین با قانون اساسی مطابقت داشته باشند. منظور آن است که قانون حکم عامی است که خطاب به عموم و غیر شخصی است چه جنبه حمایتی داشته باشد، چه جنبه تعرضی و تنبیهی. اصل بیستم، بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۱۰۷ و ۱۱۳ قانون اساسی ایران نیز بر همین امر تأکید نموده اند.

۸- NoN Retrospectivity of Law, or NoN - Retroactivity of penal Laws

طبق اصل ۱۶۹ قانون اساسی «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده جرم محسوب نمی شود.» ماده ۴ قانون مدنی ایران هم مقرر می دارد: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون، مقرراتی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» البته این اصل در امور کیفری استثنائاتی دارد که از جمله آنها موردی است که قانون جدید، مجازات کمتری را نسبت به سابق مقرر داشته باشد و در چنین موردی، قانون جدید اعمال خواهد شد.

۹- دادگستری شایسته دارای ویژگیهایی است که مهمترین آنها عبارتند از: قابل دسترسی بودن دادگاه صالح برای دادخواهی، استقلال قضایی و بیطرفی قضات، اصل امنیت شغلی و مصونیت شخصی قضات، اصل مسئولیت پذیری قضات متضمن بر مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری قضات، اصل علنی بودن محاکمات، حق دسترسی به وکیل و انتخاب وکیل. اصل سی و چهارم قانون اساسی نیز دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و بر دسترسی به دادگاههای صالح تأکید نموده است.

۱۰- اصل مصونیت شغلی و شخصی قضات در اصل ۱۶۴ قانون اساسی تصریح شده است، لیکن امکان عزل قضات بطور غیابی و بدون محاکمه قاضی مذکور توسط دادگاه عالی انتظامی قضات طبق قانون رسیدگی به صلاحیت قضات مصوب ۱۳۷۶/۳/۱ میتواند نسبت به استقلال قاضی نگران کننده باشد.

۱۱- Impertiality

۱۲ - Presumption of Innocence

اصل برائت یکی از مهمترین تضمینات خاص قضایی برای حفظ آزادی و امنیت اشخاص است که در تمام اسناد مهم حقوق بشری





مورد تأکید قرار گرفته و امروزه به عنوان میراث مشترک حقوقی در نظامهای حقوقی داخلی همه کشورها و در نظام بین المللی از آن نام برده می شود.

اصل ۳۲ قانون اساسی ایران نیز مقرر می دارد: « اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح اثبات گردد.»

۱۳- تعقیب قانونی و دستگیری قانونی در اصل ۳۲ قانون اساسی و همچنین تعقیب قانونی توسط ضابطین دادگستری در مواد ۱۵، ۲۱ و ۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امر کیفری تأکید شده است.

۱۴- تسریع در تفهیم اتهام در اصل ۳۲ قانون اساسی و در ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امر کیفری تأکید شده است.

۱۵- Fair Trial

۱۶- حق دفاع و حق انتخاب وکیل در اصل ۳۵ قانون اساسی و در مواد ۱۸۵ تا ۱۸۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب قبلاً مورد تأکید قرار گرفته است، لیکن متأسفانه با تصویب شق ز بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجدداً مورد نقض واقع شده است، علیرغم آنکه با درج این حق حتی در مرحله دادرسی در بند ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ابتدا تصور می شد که تبصره ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۳۷۸ منسوخ شده است ولی با کمال تأسف همانطور که گفته شد با تصویب قانون مؤخر برنامه چهارم توسعه، مجدداً حق مذکور نقض شده و عملاً دست قضات برای ممانعت از حضور و مداخله وکلا به ویژه در مرحله دادرسی باز گذاشته شده است.

۱۷- Public Trial

اصل علنی بودن محاکمات در اصل ۱۶۵ قانون اساسی و در ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب تصریح شده است. همچنین طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی نیز رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری انجام خواهد شد.

۱۸- No crime or punishment except in accordance with the law. Nulla poena sine lege_ Nullum crimen sine lege. (Latin)

این اصل در اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی و در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است.

۱۹- No torture and ill-treatment

۲۰- (Solitary Confinement) cell

۲۱- متن کامل این قطعنامه را می توانید در سایتهای ذیل ملاحظه فرمائید:

www.un.org

www.UNCHR.ch

www.Human Rights watch.org



ولایت

ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ شروع اشتراک: / / ۱۳ مجله های درخواستی از شماره: الی

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

ویژه خوانندگانی



مورخ

ارسال شد.

امضاء مشترک

ریال، طی خوانندگانی
از بانک: شعبه:

هزینه اشتراک

۴۰/۰۰۰ ریال

شش ماه با پست عادی

۷۲/۰۰۰ ریال

یکسال با پست عادی

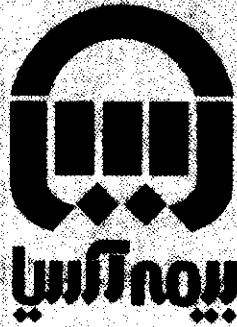
برای اشتراک کالت، اصل را پس از...
حق اشتراک که به جاری...
رضا مهدوی نجیبی واریز شد. مجله ارسال فرمایید.

تهران: خیابان سید...، جنب هتل...، ساختمانی ۵، طبقه اول، شماره ۱۲

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۵۳ تلفن: ۴۴۸۰۰۰۰ امور مشترکین ۸۸۴۲۱۶۴

۲۰٪ تخفیف برای دانشجویان دانشگاهها، با ارائه کارت شناسایی





خدمات بیمه‌ای

ویژه

اعضای محترم کانون وکلای دادگستری

(وکلا، کارآموزان و کارکنان)

تسهیلات استثنائی بیمه بدنه اتومبیل:

┆ ۱۵٪ تخفیف ویژه برای کلیه اتومبیلها

┆ ۱۵٪ تخفیف اضافی برای اتومبیلهای

نو (صفر کیلومتر)

┆ تقسیط حق بیمه در ۷ قسط

(۲۰٪ نقد و باقیمانده طی ۶ قسط)

┆ بازدید سلامت اتومبیل در محل مورد

نظر بیمه گذار

┆ پرداخت مستقیم خسارت

┆ تخفیف عدم خسارت:

بیمه نامه بدنه اتومبیل اعضای محترم کانون علاوه بر

تخفیفات فوق از مزایای بیمه نامه قبلی (تخفیف عدم خسارت

از ۲۵٪ تا ۶۰٪ که توسط هر شرکت بیمه ای صادر شده

باشد، بهره مند خواهد بود.

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر تماس بگیرید:

۸۸۲۸۵۷۲۵

تلفن مستقیم:

۰۹۱۲ ۳۲۵۷۴۸۵

مجری طرح:

تدبیر

شرکت تدبیر (سهامی خاص)

نماینده گی بیمه آسیا

عطر طعم

اکسیر زعفرانی

پلی به سوی جوانی

چای کیسه‌ای هلدار

طعم تازگی، عطر خاطره

چای کیسه‌ای زعفرانی

نوشیدنی نشاط و شادابی

دفتر فروش تهران: ۸۸۸۲۹۲۱۵ و ۸۸۸۴۶۲۳۷



اکسیر زعفرانی (پلی به سوی جوانی)

اکسیر زعفرانی زنبق محصولی است منحصر به فرد در ایران و جهان که حاصل سالها تلاش متخصصین این شرکت می باشد. ترکیب اعجاب برانگیز این محصول که بر پایه زعفران می باشد تحسین هر که یک بار آن را مصرف نموده است را برانگیخته و مصرف آن را به دیگران توصیه نموده است.

این محصول هدیه ای است نشاط و شادی آور به آن عزیزانی که خواستار تمدد اعصاب و بازیابی قوای از دست رفته خود میباشند. سعی بر این بوده که رنگ چشم نواز و طعم خوش زعفران را با رایحه هل و عطر فرح انگیز گل سرخ را یکجا تقدیم شما عزیزان نمایم.

از خواص مهم زعفران می توان به ضد افسردگی، ضد سرطان معده و نیرو بخش بودن آن اشاره کرد و همچنین سازگاری طبیعت آن با همه مزاج ها.

دستور العمل طبخ:

اکسیر زعفرانی زنبق را می توان همانند تی بگ در یک فنجان آب جوشیده و داغ قرار داده و پس سه دقیقه آن را صرف نمود. اضافه کردن شکر به اندازه دلخواه در طعم بخشی آن موثر میباشد.

همچنین میتوان بجای آب جوش از شیر جوشیده و داغ استفاده نمود که طعم خاص آن فراموش نشدنی است. کافی است یک عدد اکسیر زعفرانی زنبق را در یک قوری چای دم شده برای ۴ نفر قرار دهید تا به چای خود عطر و طعم و رنگ فوق العاده ای ببخشید. توصیه ما: سه عدد تی بگ طلائی زنبق + یک عدد اکسیر زعفرانی. در پخت انواع غذا هم می شود از اکسیر زعفرانی زنبق استفاده کرد، مثل طعم دهی به انواع خورشت خصوصاً قیمه، رنگ و طعم دهی به خوراک مرغ، جوجه کباب، ته چین، حلوا، شله زرد و تزئین انواع برنج و سایر غذاهای خوش طعم و خوش پخت کدبانوی هنرمند و با سلیقه ایرانی.

از اکسیر زعفرانی در فصل گرما و هنگام عطش میتوان شربت های خوش مزه و متنوعی تهیه و سرو نمود.

یک عدد اکسیر زعفرانی زنبق را در یک استکان آب جوش قرار داده و روی حرارت ملایم کتری یا هر وسیله دیگر برای مدت ۲۰ دقیقه قرار میدهیم تا خوب دم کشیده و رنگ را خوب پس دهد. سپس آنرا در یک و نیم لیتر آب سرد ریخته و با یک لیوان شربت شکر (غلظت و میزان شیرینی بسته به ذائقه شما می باشد) به خوبی مخلوط میکنیم. با اضافه کردن یک استکان آب لیموی استاندارد، شربتی بی نظیر را نوش جان خواهید کرد. به جای آب لیمو میتوان از تخم شربتی و یا قندومه و خاکشیر و سایر افزودنی ها استفاده نمود.

شرکت پارس زنبق (سهامی خاص)